



نظارت و راهنمایی تعلیماتی برای مدارس فردا

دکتر مظفرالدین واعظی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

نشر یسپرون



۱۵۸

سرشناسه	: واعظی، مظفرالدین، ۱۳۲۶.
عنوان و نام پدیدآور	: نظارت و راهنمایی تعلیماتی برای مدارس فردا/ نویسندگان مظفرالدین واعظی.
مشخصات نشر	: تهران: یسترون، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۳۶۸ ص: جدول، نمودار.
شابک	: 978-964-7819-49-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: راهنمایی آموزشی
موضوع	: برنامه ریزی آموزشی
موضوع	: تدریس
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ن۶ و ۲۷/۵ LB۱۰۲۷
رده بندی دیویی	: ۳۷۱/۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۴۹۱۴۴

نام کتاب: نظارت و راهنمایی تعلیماتی برای مدارس فردا

نویسندگان: دکتر مظفرالدین واعظی

ناشر: انتشارات یسترون

تاریخ نشر: ۱۳۹۲

صفحه آرا: نرگس ریاحی

طرح جلد: الهام میرکمالی

چاپ: اول

تیراژ: ۱۵۰۰

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۱۹-۴۹-۷

آدرس: تهران خیابان لبافی نژاد، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۱۸۶.

تلفکس: ۶۶۴۱۵۰۰۲ و ۶۶۹۵۰۴۰۹

۷	
۱۱	فصل اول: زمینه مورد نیاز برای مدارس فردا.....
۱۱	 مقدمه

۱۱	 ویژگی‌های جامعه مدرسه فردا
۱۵	 آموزش و پرورش و نظارت و راهنمایی تعلیماتی
۱۷	 ضرورت نظارت و راهنمایی
۱۹	 اهمیت نظارت و راهنمایی
۲۲	 اهداف نظارت و راهنمایی تعلیماتی
۲۸	 چشم‌انداز تاریخی در جستجوی مفهوم مشترک نظارت و راهنمایی
۳۴	 نظارت و راهنمایی در ادبیات مدیریت
۴۰	 تعلیم و تربیت در نزد دیگران و ما
۴۸	 وظایف مدیر آموزشی
۵۱	 توانمندی‌ها و صلاحیت‌های لازم برای رئیس مدیر منطقه آموزشی
۵۲	 مفهوم گرانی در نظارت و راهنمایی آموزشی
۵۴	 اصول نظارت و راهنمایی
۵۷	

۶۳	فصل دوم: حرفه‌ای گرایی.....
----	-----------------------------

۶۳	 مقدمه
۶۴	 آموزش و پرورش به عنوان حرفه
۶۴	 تعاریف حرفه‌ای گرایی
۶۷	 ویژگی‌های جهت‌گیری حرفه‌ای
۶۹	 حرفه‌ای گرایی و تعلیم و تربیت
۷۰	 معلمی به عنوان یک کار
۷۱	 تدریس به عنوان یک شغل
۷۳	 آموزش به عنوان حرفه
۷۳	 آموزش به عنوان هنر
۷۵	 تکامل تدریس به عنوان یک جایگاه شغلی
۷۶	 آموزش معلم و موقعیت اجتماعی تدریس
۷۸	 موقعیت جاری معلمی
۸۰	 حقوق، تأمین و استانداردها
۸۲	 ابعاد حرفه‌ای شدن
۸۸	 ورود به آموزش

۹۳	نقش‌های آموزش و شرایط کاری
۹۶	توسعه حرفه‌ای برای توسعه یک حرفه
۱۰۱	کنترل حرفه‌ای یک شغل
۱۰۳	ملاک‌های حرفه‌ای شدن برای معلمی

۱۰۷ فصل سوم: یادگیری و تدریس

۱۰۷	مقدمه
۱۰۸	یادگیری در نظریه رفتارگرایان
۱۱۰	نظریه شناختی
۱۱۳	مدل پردازش اطلاعات
۱۱۷	محتوی حافظه بلندمدت
۱۱۹	فرانشاخت
۱۲۴	رویکرد سازاگرایان نسبت به یادگیری
۱۲۵	سازاگرایی روانشناختی (فردی)
۱۲۶	سازاگرایی اجتماعی
۱۲۷	سازاگرایی افراطی
۱۲۸	کاربردهای آموزشی نظریه سازگرایان
۱۳۱	جدول مقایسه‌ی ویژگی‌های مهم نظریه‌های شاخص رفتاری، شناختی و سازنده‌گرایی

۱۳۳ فصل چهارم: آموزش و روش‌های یاددهی

۱۳۳	طراحی آموزش معلم - محور
۱۳۴	اهداف آموزشی و تدریس
۱۳۵	نظارت و راهنمایی تدریس
۱۳۶	سطوح مختلف حیطه‌های یادگیری
۱۴۳	تعیین هدف کلی درس و تحلیل آموزشی
۱۴۸	مهارت‌های ضمن تدریس
۱۵۳	نقش راهنمایی تعلیماتی در کلاس درس
۱۵۹	نتایج تحقیقات آموزش معلم محور
۱۶۱	مراحل اجرای آموزش
۱۶۶	نقش راهنمای آموزشی در نظارت به کار معلم در آموزش
۱۷۰	تکالیف درسی و یادگیری
۱۷۲	ویژگی‌های آموزش مستقیم
۱۷۴	طراحی آموزش یادگیرنده- محور
۱۷۸	تنوع در فعالیت‌های یادگیری

۱۷۸	الگوی مشاهده‌ای رفتار معلم در کلاس درس
۱۸۲	روش تجزیه و تحلیل کنش‌های متقابل معلم - شاگرد (BIAS)
۱۸۵	فصل پنجم: ارزشیابی دانش‌آموزان
۱۸۵	اهمیت ارزشیابی در فرایند یاددهی - یادگیری
۱۸۶	تعاریف مفاهیم: آزمون، اندازه‌گیری و ارزشیابی
۱۸۷	انواع ارزشیابی
۱۹۱	آزمون‌های معلم - ساخته
۱۹۳	آماده کردن جدول مشخصات
۱۹۶	ارزشیابی تکوینی - ارزشیابی پایانی
۱۹۷	سنجش و انواع آن
۱۹۷	ارزشیابی شناختی و عاطفی
۲۰۲	آزمون تشریحی
۲۰۴	سؤال شفاهی
۲۰۹	آزمون استاندارد
۲۰۹	ارزشیابی پیشرفت تحصیلی
۲۱۰	جدول مقایسه میان آزمون پیشرفت تحصیلی معلم - ساخته و استاندارد
۲۱۱	روایی آزمون
۲۱۲	پایایی آزمون
۲۱۲	آزمون هنجار - مدار و معیار - مدار
۲۱۳	آزمون ملاک - مدار
۲۱۵	کارپوشه دانش‌آموزان
۲۱۵	روش‌های دیگر ارزشیابی
۲۱۹	فصل ششم: مدیریت کلاس
۲۱۹	مقدمه
۲۲۱	تأثیرات مدیریت کلاس بر دانش‌آموز و معلم
۲۲۴	الزامات مدیریت کلاس
۲۳۳	انضباط یک مشکل جدی
۲۳۶	بی‌انضباطی
۲۴۴	جو عاطفی کلاس
۲۴۸	بی‌انضباطی از نظر مدرسه
۲۵۴	اصلاح و تغییر رفتار
۲۵۵	تقویت منفی

۲۵۶	 برنامه آموزش ضمن خدمت مدیریت کلاس
۲۶۱	 فصل هفتم: رهبری در نظارت و راهنمایی تعلیماتی
۲۶۲	 سیر تکامل نظریه پردازی
۲۷۶	 الف: تغییر
۲۸۰	 ب: قدرت
۲۸۶	 ج: سیاست "Politics"
۲۹۴	 د: مدیریت تعارض
۲۹۷	 فصل هشتم: ارزشیابی معلم
۲۹۸	 اصول ارزشیابی معلم
۳۰۱	 موانع و محدودیت های ارزشیابی
۳۰۸	 ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی پایانی
۳۱۱	 روش مشاهده کلاس درس
۳۱۳	 ظهور نظام های ارزشیابی جدید
۳۱۴	 ارزشیابی همگنان
۳۱۷	 بازخورد دانش آموزان
۳۱۹	 بازخورد والدین
۳۲۱	 پوشه ی معلم
۳۲۲	 خود - ارزیابی معلم
۳۲۴	 مدل بازخورد ارزشیابی سبب و شصت درجه
۳۲۴	 اطلاعات زمینه ای و توصیف مدل ارزشیابی سبب و شصت درجه
۳۳۱	 صلاحیت های حرفه ای معلم که نیاز به ارزشیابی دارند
۳۳۸	 معیار اول: مهارت
۳۳۸	 معیار دوم: ملاحظات دیگران
۳۳۸	 معیار سوم: ملاحظات مربوط به خود
۳۳۹	 معیار چهارم: اخلاق حرفه ای
۳۴۱	 فرم بازخورد دانش آموز به معلم
۳۴۴	 فرم ارزیابی والدین
۳۴۵	 فرم بازخورد همگنان
۳۴۷	 فرم ارزشیابی دانش آموزان
۳۵۳	 فهرست منابع و مآخذ
۳۵۳	 الف) منابع فارسی
۳۵۶	 ب) منابع انگلیسی

پیشگفتار

بعد سال‌ها تدریس درس نظارت و راهنمایی آموزشی در دانشگاه تهران در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و مشارکت در تدریس نظارت و راهنمایی در محل تحصیل خود، خارج از کشور به عنوان وظیفه‌ی پژوهشی و هم جهت استفاده دانشجویان درس نظارت و راهنمای آموزشی، گردآوری‌های خود را به رشته‌ی تحریر در آوردم. نظارت و راهنمایی برای مدارس فردا با امید و آرزوی تحول در ساختار و کیفیت در آموزش و پرورش به جهت جوابگویی به نیازهای رشد عقلانی و خلاقیت هر چه بیشتر دانش‌آموزان جامعه تدوین گردید.

نظارت و راهنمایی با عنوان نظارت و ارزشیابی از فراگردهای مدیریت، مانند برنامه‌ریزی از الزامات کارکرد اصلی، دانش مدیریت آموزشی می‌باشد که در سطح مدرسه و منطقه آموزشی مورد نیاز مدیران و راهنمایان آموزشی است. از آنجایی که اندیشه‌ی اصلی نظارت و راهنمایی کیفیت بخشیدن به دانش آموزش و پرورش است می‌توان آن را در سطوح کلان و خرد به عنوان ابزار کیفیت دهی استفاده نمود. در سطح کلان همه‌ی ذینفعان در آموزش و پرورش معلم، مدیر، مسئولان مدرسه، دانش‌آموزان، والدین، مسئولان رده‌ی بالای آموزش و پرورش، تصمیم‌گیرندگان عمده‌ی جامعه در قوای سه‌گانه‌ی اجرایی (مقننه، مجریه و قضاییه) و افرادی که به طور مستقیم با آموزش و پرورش مرتبط نیستند و خواهان سربلندی جامعه می‌باشند را در بر می‌گیرد. ذینفعان نامبرده فوق می‌توانند با شعار «آموزش و پرورش با کیفیت» خواهان ارتقاء کیفی آموزش و پرورش گردند.

نظارت و راهنمایی در سطح خرد بیشتر متوجه‌ی ذینفعانی است که به طور مستقیم دست

اندر کار آموزش و پرورش می‌باشند، نظارت و راهنمایی در سطح خرد به دو صورت عمومی و تخصصی می‌تواند متحقق گردد. نظارت و راهنمایی عمومی بهداشت کلی کیفیت آموزشی در مدرسه را مورد توجه قرار می‌دهد، که می‌تواند شامل صلاحیت‌های لازم برای گزینش معلم، نگهداری، آموزش معلم و توسعه‌ی نیروی انسانی آموزشی را در تمرکز خود قرار دهد. در سطح تخصصی نظارت و راهنمایی بر روی فرایند یاددهی و یادگیری دروس مختلف متمرکز می‌گردد. امروزه برای یاری رساندن به معلم برای برطرف کردن تنگناهای یاددهی - یادگیری دانش آموز، چگونگی تدریس معلم، نظارت بالینی، تعامل معلم و شاگرد، مدیریت کلاس و ارزشیابی معلم از نظارت و راهنمایی در عبارت "Mentoring" یا مربیگری استفاده نمود.

فصل اول کتاب تحت عنوان زمینه برای مدارس فردا الزامات لازم برای ایجاد جامعه‌ی یادگیرنده، خلاق و متفکر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در همین حال نسبت به ادبیات تعاریف نظارت و راهنمایی، وظایف مدیر آموزشی در سطح مدرسه، منطقه، مفهوم گرایی و اصول نظارت و راهنمایی بررسی می‌شود.

فصل دوم با ایجاد امید برای حاکم شدن حرفه‌ای گرایی معلم در سازمان آموزش و پرورش جامعه نسبت به ادبیات و حرفه‌ای گرایی به عنوان یک مفهوم نو در صحنه‌ی بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت. نگاه حرفه‌ای گرایی به شغل معلمی در تعریف آن است که حرفه‌ی معلمی را از موقعیت اداری، دیوانسالارانه و نیمه حرفه‌ای خارج نموده و به جهت ارتقاء شغل معلمی و جاذبه‌های مربوط به آن اهداف والاتری در شغل معلمی تأسیس نماید.

فصل سوم هدف، جلب توجه راهنمای آموزشی به نظریه‌های مسلط یادگیری مانند رفتارگرایان، شناخت‌گرایان و سازاگرایان می‌باشد. از آنجایی که ارتقاء کیفیت یادگیری در جریان آموزشی نیاز هر چه بیشتر برای یاری رساندن به معلم می‌باشد بذل توجه به نظریه‌های یادگیری به منظور ارتقاء کیفیت یادگیری دانش‌آموزان و استفاده از آن‌ها در کاربردهای عملی بیشتر احساس می‌گردد. بنابراین ضرورت دارد راهنمای آموزشی هر چه بیشتر خود را با نظریه‌های جدید یادگیری آشنا نموده و در همکاری با معلم از آن استفاده نماید.

فصل چهارم در ادامه بحث نظریه‌های یادگیری این فصل نگاهی به آموزش و فرایند یاددهی در عبارات طراحی آموزش معلم - محور، مستقل و یادگیرنده - محور دارد. ضمناً

الگوهای آمادگی معلم برای تدریس، مشاهده کلاس درس معلم، چگونگی ارائه‌ی درس و نتیجه‌گیری به منظور آمادگی فنی برای ناظر و راهنمای تعلیماتی مورد توجه قرار می‌گیرد. در پایان این فصل الگوی تعامل معلم و شاگرد تحت عنوان "Teacher Mirroring Techniques" به خاطر تشخیص نحوه‌ی مدیریت تدریس معلم در اختیار راهنمای آموزشی قرار می‌گیرد.

فصل پنجم نتیجه‌ی آموزش و میزان یادگیری دانش‌آموز را در قالب ارزشیابی دانش‌آموزان مورد بحث قرار می‌دهد. ارزشیابی دانش‌آموزان به عنوان فعالیت پایانی تدریس دست‌آوردهای دانش‌آموز را در حیطه‌های سه گانه‌ی شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی بررسی می‌کند.

فصل ششم تحت عنوان مدیریت کلاس درس تحقیقات مربوط به پیامدهای چگونگی مدیریت کلاس را از طریق جستجوی ادبیات مربوطه به دقت مورد بررسی قرار می‌دهد. در عمل از طریق نظارت و راهنمای آموزشی به معلم تأثیرات اداره‌ی منظم و نامنظم کلاس درس را در رابطه با دانش‌آموز، معلم و مدرسه گوشزد می‌نماید.

فصل هفتم مفهوم رهبری در فرایند سازمانی از زاویه سیر تکامل مفهومی، قدرت و اختیار و تدابیر لازم برای زندگی سازمانی را مورد بحث قرار می‌دهد. در این فصل بیشتر از تحقیقات Hoy & Miskel مورد استفاده قرار گرفت. آنان سعی دارند در فرایند جمعی و سازمانی مدرسه شناخت لازم برای اداره‌ی سازمان به مدیر و راهنمای آموزشی ارائه نمایند.

فصل هشتم نه به عنوان فصل پایانی بلکه بیشتر برای ایجاد مبنای تئوریک برای ارزشیابی معلم بررسی عمیقی در فرایند ارزشیابی معلم صورت گرفت ضمن مطالعه‌ی مدل‌های ارزشیابی سنتی، ارزشیابی ۳۶۰ درجه را به عنوان نظام ارزشیابی جدید مورد بررسی قرار داد و الگوهای ارزشیابی دانش‌آموزان، همگنان، والدین طراحي و در اختیار دانشجویان محترم قرار می‌گیرد.

بحث نظارت و راهنمایی به این چند فصل مورد اشاره خلاصه نمی‌شود بلکه به خاطر کمی زمان کوتاه گردید. ضمناً امکان دارد اشکالاتی از نظر روان‌سازی مطالب به خاطر استفاده از ادبیات بین‌المللی موجود باشد که در چاپ‌های بعدی اصلاح خواهد گردید.

فصل اول

زمینه مورد نیاز برای مدارس فردا

مقدمه

ساختار آموزش و پرورش قبل از آموزش رسمی در ایران در مکتب خانه‌ها و مساجد به صورت فردی و یا در گروه‌های کوچک برگزار می‌شد. در سال ۱۲۸۶ قمری با افتتاح مدرسه دارالفنون عملاً آموزش رسمی با مشارکت استادان خارجی در سطح اقلیت جامعه به نام نجبا یا اشراف شروع شد. آموزش و پرورش با برنامه‌ریزی خارجی و استادان خارجی شکل گرفت. و از آن زمان به بعد بر اثر رشد جمعیت و تحول علمی و اجتماعی در سطح جهان الزامات خاص خود را طلب نمود. نیاز به آموزش و پرورش همگانی و غیرقشری راه خود را به آموزش و پرورش باز کرد. لکن بحث برنامه‌ریزی آموزشی و درسی و چگونگی آموزش به صورت تحول نیافته باقی ماند. نویسنده بر خود لازم می‌داند در حد توان مسائل و مشکلات آموزش و پرورش را در این مجموعه با امید به اینکه بتواند ولو به حد کم توجه آحاد جامعه، مسئولان نظام و مراکز قانونگذاری را جلب نماید، مورد بررسی قرار می‌دهد.

کتاب نظارت و راهنمایی آموزشی با این فکر که بتواند در جهت بهبود کیفیت آموزشی جامعه ولو به صورت ناچیزی تأثیر بگذارد نوشته می‌شود. و به قول دکتر بازرگان کیفیت امر تصادفی نیست برای بدست آوردن آن باید تفکر عمیق و برنامه‌ریزی منظمی داشت. بحث کیفیت در آموزش و پرورش جامعه ما امری حیاتی است که همواره در طول تاریخ مورد بی-

توجهی جامعه قرار گرفته است. جامعه ما، کودکان ما کلاً دارای استعدادهای چشمگیری هستند که از این استعدادها از طریق ساختار مناسب آموزش و پرورش متحقق شوند می‌توانند تحول آفرین باشند. متأسفانه آموزش و پرورش ما در زمینه‌های مختلف دارای مشکلاتی است که تحول آفرینی در استعداد دانش‌آموزان را به تعلیق می‌اندازند.

برای رسیدن به کیفیت بدون اقدامات اساسی نمی‌توان با ساختار موجود آن را متحقق نمود، بنابراین به ضرورت فهرست‌وار اقدامات عبارتند از:

۱. ایجاد فرهنگ کیفیت آموزش و پرورش به این معنا که فرد فرد جامعه پی به اهمیت آموزش و پرورش برد و حداکثر سعی در ارتقاء کیفیت آن به نماید. سازمان‌های سیاسی (قوه مقننه، قوه قضاییه، قوه مجریه و رسانه‌های دولتی و خصوصی جامعه) اولاً اهمیت کیفیت در آموزش و پرورش را به طور ملموس درونی نمایند و در ارتقاء کیفیت آن کوشش نمایند. اگر علاقه‌مندیم که دانش‌آموزان ما اخلاق و مبتکر باشند بایستی به کلاس درس توجه کنیم. اگر کلاس درس جامعه یادگیرنده محور باشد، معلم یادگیرنده محور می‌شود.

معلم، رهبر جامعه یادگیرنده محور است که در آن اعتماد و آزاداندیشی عامل محرکه افکار نو و پویایی است. معلم، متفکر و بازکننده افق‌ها، هدایت‌گر رشد و ایفاگر بسیاری از نقش‌های تربیتی است. معلم در نقش داور، مشاهده‌گر، ارزیاب و تغییر دهنده رفتار و جهت دهنده در زمان‌های بحرانی و تسهیل کننده است. معلم به دانش‌آموز کمک می‌کند تا دانش‌آموز عقایدش را با تجارب آشنای خود ترکیب و در حل مسائل توانمند گردد. معلم به عنوان مدیر به طور مؤثر منابع را تحصیل و در اختیار دانش‌آموز به طور شمرنبخش، قرار می‌دهد. با تشویق یادگیری خودمحور با مدل رفتار توأم با احترام معلم توانایی اداره کلاس و محیط آموزشی برای او فراهم می‌شود (Sergiovanni, 2001).

۲. تغییر ساختار آموزش و پرورش از آنجایی که در طول تقریباً دو قرن گذشته آموزش و پرورش از ساختار دیوانسالاری خشک برخوردار بوده دیگر در قرن بیست و یکم توان جوابگویی به تأمین نیازهای رشد عقلانی، اجتماعی، عاطفی، جسمانی و اخلاقی کودکان و نوجوانان جامعه را ندارد. به عبارتی دیگر در طول سالیان متمادی ساختار دیوانسالاری و بروکراتیک بر هسته اصلی آموزش و پرورش یعنی "آموزش" مسلط گردیده است. هسته

آموزش شامل (گزینش معلم، صلاحیت‌های لازم برای استخدام معلم، دانشگاه‌های تربیت معلم، حرفه‌ای‌گرایی معلم، برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، توسعه نیروی انسانی و تأمین رفاه معلم) تحت شعاع بروکراسی سازمانی آموزش و پرورش قرار گرفته است. هزینه‌هایی که بخش ساختار دیوانسالاری و کاغذ بازی به خود اختصاص می‌دهد در مقابل هسته اصلی که آموزش باشد بسیار چشم‌گیر می‌باشد. برای پاسخگویی و ایجاد آموزش و پرورش جوابگو و حساس به نیازهای دانش‌آموزان با تفاوت‌های فردی ضرورت تغییر ساختار آموزش و پرورش امری اجتناب‌ناپذیر است.

۳. گزینش معلم به صورت فعلی امری ناکارآمد می‌باشد به خاطر اینکه دانش‌آموزان ما از بهره‌های هوشی متنوعی برخوردارند، همین طور علائق و رقبتهای نیز تفاوت‌های زیادی دارند به همین خاطر معلمان دانش‌آموزان بایستی از بالاترین بهره‌ی هوشی برخوردار باشند. آموزش و پرورش فرایند انسان‌سازی و متحقق کردن استعدادهای بالقوه‌ی نونهالان جامعه می‌باشد. دانش‌آموز با قدرت کنجکاوی بالا نیازمند پاسخ به سؤالاتی از طرف معلم است که سبب رشد فکری و روح انتقادی در او گردد. شغل تدریس و معلمی با صفت اشتیاق شکل می‌گیرد، معلم بدون اشتیاق و علاقه به آموزش و پرورش کودکان مانند لامپ سوخته در چراغانی شهر می‌باشد.

۴. مراکز آموزشی تربیت معلم مانند اکثر کشورهای صنعتی بایستی در دانشگاه‌ها و در دانشکده‌های روان‌شناسی و تعلیم و تربیت انجام شود. به خاطر اینکه تعلیم و تربیت مانند علم پزشکی یک تخصص است. همانطوری که یک پزشک به علوم مانند زیست‌شناسی، میکروب بیولوژی، فیزیک و شیمی و... نیاز دارد معلم نیز در رشته تعلیم و تربیت که یک رشته‌ی بین رشته‌ای است نیاز به علوم مختلف مانند زیست‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی عمومی، روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی تربیتی، مدیریت آموزشی، آموزش و پرورش کودکان استثنایی و تکنولوژی آموزشی و غیره نیاز دارد.

۵. حرفه‌ای‌گرایی با توجه به تغییرات و تحولات اجتماعی در صحنه بین‌المللی و متنوع شدن علوم و نیازهای دانش‌آموزان معلمان دیگر نمی‌توانند با ارائه دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های وزارتی تدریس حرفه‌ای در فرایند یاددهی و یادگیری داشته باشند. جامعه دانش‌بنیان قرن

بیست و یکم الزام به تربیت افرادی متخصص و خبره در فرایند آموزشی را اجتناب‌ناپذیر می‌داند. حرفه‌ای‌گرایی آموزش و پرورش را مانند مشاغل پزشکی، مهندسی، روان‌کاوی یک حرفه تخصصی محسوب می‌دارد. همانگونه که پزشک در مقابل بیمار خاص تصمیمات خود را در مورد معالجه و برگرداندن سلامتی بیمار مبتنی بر تخصص خود می‌نماید نه دستورات و سفارشات رئیس بیمارستان معلم نیز در برآورد نیازهای جویندگان آموزش به مثابه پزشک بایستی از دانش تخصصی خود استفاده نماید نه دستورالعمل‌های وزارتی و سلسله‌مراتبی سازمان آموزش و پرورش. هر مربی نسخه‌ای از نسخ انسانی است بنابراین نیازهای کاملاً متفاوتی نسبت به دانش‌آموز دیگر دارد معلم نمی‌تواند با یک نسخه کلی همه آنان را تعالی شخصیتی و حرفه‌ای بخشد.

۶. رسالت از آنجایی که از آغاز تعلیم و تربیت رسمی در ایران ساختار دیوانسالاری بر آموزش و پرورش حاکم بوده است. علی‌الاصول در این ساختار قدرت در بالای هرم سازمان اداری متمرکز است. از آنجایی که رسالت آموزش و پرورش انسان‌سازی و متحقق کردن استعدادهای بالقوه دانش‌آموزان می‌باشد، بنابراین آموزش و پرورش رسالت خود را با استفاده از دستورات اداری نمی‌تواند تحقق بخشد. از طرفی بعد اداری در سازمان آموزش و پرورش بقدری تنومند شده که هسته اصلی آموزش را در میان لایه‌های خود تضعیف نموده است: اهداف آموزشی، برنامه آموزشی، مطالب یادگیری، شیوه آموزش و محتوای ارزشیابی دانش‌آموزان از هرم سازمانی ناشی می‌شود. از آنجایی که آموزش و پرورش امر تخصصی است و با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان معلم به عنوان متخصص باید تصمیمات آموزشی خود را با توجه به ویژگی‌های شناختی، روانی و اجتماعی دانش‌آموز متناسب سازد. در این فرآیند دستورات بروکراتیک نمی‌تواند مؤثر واقع شود. لذا آموزش و پرورش نیاز دارد ساختار دیوانسالاری خود را به ساختار حرفه‌ای و تا حدودی مسطح تبدیل نماید.

نیاز آموزشی آموزش و پرورش از نظر برنامه درسی بیشتر متوجه رشته آموزش علوم می‌باشد، برای رسیدن به این نیاز و برای تربیت معلمان توانمند تنها توسعه رشته آموزش علوم (آموزش فیزیک، شیمی، جامعه‌شناسی...) می‌تواند تأثیر بسزایی در کیفیت پیامدهای آموزشی و یادگیری دانش‌آموزان داشته باشد.

دکتر علی شریعتمداری استاد مسلم تعلیم و تربیت همواره تأکید بر واگذاری رسالت تربیتی معلمان به دانشکده‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی داشته و دارند. به نظر می‌رسد آموزش و پرورش با اجابت این رسالت می‌تواند تواتماً نظرات استادان آموزش و پرورش و دانشکده‌های علوم تربیتی را برای تربیت معلم مورد استفاده قرار دهد.

در نتیجه اگر علاقه‌مندیم تحول اساسی و شایسته جامعه در آموزش و پرورش به وجود آوریم به طور اجتناب‌ناپذیری باید سعی در ایجاد آموزش و پرورش یادگیرنده محور داشته باشیم. به همین منظور برای ساختن آموزش و پرورش یادگیرنده محور ناچاریم از مدرسه شروع کنیم. حال این سؤالات مطرح می‌شود که برای ساختن مدرسه یادگیرنده چه بنایی لازم است؟ چگونه می‌شود مدرسه را به مدرسه یادگیرنده محور تبدیل کرد؟ آیا مگر مدرسه یک سازمان یادگیرنده محور نیست؟ مدرسه‌ای که به طور معناداری بتواند رشد علمی، اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموز را تضمین کند و او را تبدیل به یک رهبر توانا، خلاق، تمدن ساز نماید، مورد توجه است.

ویژگی‌های جامعه مدرسه فردا

برای تحقق چنین جامعه‌ای که بتواند تحول‌گرائی را موجب شود چه ویژگی‌هایی لازم است؟

- ۱- جامعه متفکر (Reflective Community): که در آن دانش‌آموز بتواند بصیرت لازم نسبت به توانایی و ضعف خود به عنوان عضو جامعه‌ی یادگیرنده را ایجاد نماید. با این دانایی بتواند از منابع لازم جهت رشد خود استفاده نماید.
- ۲- جامعه توسعه‌ای (Developmental Community): مدرسه‌ای که بتواند به دانش‌آموز مفهوم نماید هر کس با قدم‌های خود یاد می‌گیرد، هر لحظه یادگیری نو را موقعیت مغتنم برای توسعه خود به شمارد.
- ۳- جامعه نامتجانس (Diverse Community): در جامعه نه تنها دانش‌آموز با استعداد کشف می‌شود بلکه دانش‌آموزان با استعدادهای متفاوت نیز وجود دارند. برنامه‌های آموزشی باید بگونه‌ای تدوین شود که جوابگوی استعدادهای و علائق متنوع دانش‌آموزان باشد.

۴- جامعه متمرکز بر گفتگو (Conversational Community): که در آن با اعطاء اولویت به بحث خلاق و فعال دانش میان دانش آموزان و معلمان باید به حدی ایجاد گردد که یادگیری و هم افزایی همگانی توسعه یابد.

۵- جامعه حساس-مراقب و یا متوجه - اهمیت گذار (Caring Community): که در آن دانش آموزان یاد می گیرند نسبت به هم نوعان خود مراقب و احترام گذار باشند و به یکدیگر کمک کنند، همواره یادگیرنده درک مشترکی نسبت به هم نوعان خود داشته باشند و در حل مشکلات یکدیگر بکوشند.

۶- جامعه مسئول (Responsible Community): دانش آموز خود در محتوی شبکه اجتماعی معنا و مسئولیت خویش را می داند و در آن احساس تعهد اخلاقی می کند که نه تنها رفتار خود را در راستای نرم و هنجارهای اجتماعی شکل دهد بلکه با الگو قرار دادن خود سعی در اصلاح و تغییر رفتار دیگر همسالان خود بنماید. بدین ترتیب آینده جامعه مملو از شهروندانی می گردد که احساس مسئولیت حفظ، نگهداری و توسعه اجتماعی می نمایند.

۷- جامعه حرفه ای (Professional Community): که در آن تعلیم و تعلم یاددهی - یادگیری بر اساس خلاقیت، تحول به طور محسوس بر تحقیق جستجوگری متمرکز است. اعضا جامعه مدرسه به یکدیگر وابسته اند. یادگیری با هم دیگر و جمعی نه تنها زیباست بلکه از ضرورت اجتناب ناپذیری برخوردار است.

تصور چنین آموزش و پرورشی برای جامعه به نظر راه طولانی و دوری می رسد ولیکن اگر تمام آحاد جامعه مخصوصا طبقه تحصیل کرده احساس تعهد کنند می توان در آینده ای نه چندان دور چنین آموزش و پرورشی را که سبب توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و رفاهی را برای آحاد جامعه می شود را به وجود آورد.

از الزامات ایجاد تحول در جامعه جستجوگری دانشجویان، یادگیری خلاق می باشد تا بتواند آهسته، آهسته فرایند آموزش را از حالت ایستا و عقب رونده و رکود به آموزش پیشرو و خلاق تبدیل نماید در این راستا الزام دیگری که مورد نیاز است مخصوصا در فرایند تعلیم تربیت در سطح مدرسه ایجاد جامعه حرفه ای است. از آن جایی که آموزش و پرورش موتور اصلی تحرک اجتماعی شناخته شده است لاجرم برای ایجاد تحول در جامعه نیازمند آن هستیم